الباب الخامس و العشر من الواحد السادس فی ان الله قد…

حضرت باب

اصلی فارسی



## **الباب الخامس و العشر من الواحد السادس** فی ان الله قد امر بان تقیموا من مقاعدکم اذا سمعتم اسم ”من یظهره الله“ من بعد بلقب القائم و الحکم علی اعدام من یحزننه من فوق الارض بما یمکن.

ملخص این باب آنکه خداوند عالم اذن فرموده کل را که در نزد استماع ذکر ”من یظهره الله“ باین اسم هر نفسی برخیزد از مقام خود و بعد قاعد گردد اجلالا له من کتاب الله و اعظاما له من نقطة الاولی لعل در یوم ظهور کسی اظهار ارتفاع در نزد او نکند که کل اعمال غیب از برای یوم شهادت است

که اگر کسی در کل عمر خود هر وقت شنید برخیزد ولی یک ساعت قبل از قبض روح بشنود که ظاهر شده یا آنکه کتاب او باو برسد که او منم یا آنکه خود او بر او وارد شود و بگوید منم و حجت اقامه کند بآیاتی که دین او باو بر پا است و فی الحین خاضع نگردد از برای قرآن و ساجد نگردد از برای منزل بیان کل اعمال غیب او باطل میگردد که گویا هیچ نکرده واگر بر عکس باشد ثمر میبخشد او را و اگر خواهد عفو میکند او را اگر دون حب در ایام غیب خود بر او شاهد شده اگر چه هرگز محب نتواند از رضای محبوب خود منحرف شد

و کمال دقت در این نموده که لابد ملاقات خواهید کرد او را که از برای اسم او این نوع احترام دارید وعمل کنید ولی از برای مسمای این اسم نکنید آنچه از برای اسم او میکردید چه اگر بدانید خواهید کرد ولی بر خود اشتباه وارد میآورید چنانچه در ظهور رسول الله - صلی الله علیه و اله - کل منتظر او بودند ولی در حین ظهور شنیدی که با او چه کردند و حال آنکه اگر او را در خواب میدیدند بآن خواب افتخار ها میکردند و همچنین در ظهور نقطۀ بیان که کل از برای اسم او قائم میشدند و از برای ظهور شب و روز تضرع و ابتهال می نمودند و اگر در خواب میدیدند او را بان خواب افتخارها مینمودند ولی حال که باعظم حجتی که دین ایشان باون بر پا است ظاهر شده و منتظرین ظهور او لا یحصی است کل بعد ازاستماع آیات او در خانه های خود مستریح نشسته و او الآن در این جبل ماکو است وحده

قدری مراقب خود شده ای اهل بیان که اینطور واقع نگردد که از برای او شب و روز گریه کنید واز برای اسم او قائم گردید و حال که یوم اخذ ثمره است که از قیام باسم سبیلی بسوی مسمی بهم رسانید این قسم محتجب مانید در خاطر آورید سلوک منتظرین رسول الله - صلی الله علیه و اله - را و آنچه بر او وارد شد از منتظرین باو و مگو که در دین نبودند امروز میگوئی که در دین نبودند و الا آن روز در میان خود بگمان خود در اعلی درجه فضل و دین خود عامل بودند و گمان دون حق بر خود نمیبردند مثل آنکه امروز می بینی که کل باعلی درجه فضل و دین خود عاملند و خطور دون حق از برای خود نمیکنند

و خواهی شنید آنچه که بر نقطۀ بیان وارد آمده زیرا که قضایای قیامت فرض شده که کل بنویسند و ثبت کنند لعل در قیامت بعد بآن مهتدی می شوند و خواهی درک نمود ”من یظهره الله“ را

و اگر قرار گذارید ای اهل بیان کلا که به هیچ نفسی نپـسندید آنچه بر نفس خود نمی پسندید و حق را بباطل جلوه ندهید یا بر عکس که آن حق محض است و اگر در ظل او مستظل نگردید در دین باطل میگردید لعل بر آن حزنی وارد نیاید و کل اعمالی که از یوم ظهور نقطۀ بیان کرده اید تا آن روز باطل نگردد

توکل بر خداوند نموده که از این خیط بیرون نرفته لعل بر مقصود خود چونکه نمی شناسید حزنی وارد نیاورید در ایام بطون او و در ایام ظهور که او می شناساند کل را نفس خود را بآیات و کلمات خود ولی کل بآن یقین نمیکنند که بشناسید او را از این جهت محتجب می مانید وهیچ حجتی نیست از برای کسی که یقین نکند باو بعد از استماع آیات این است صراطی که کل بآن داخل در جنت میشوند و محتجبین بآن داخل در نار میگردند که هیچ جنتی اعظم از آن خلق نشده بلکه او اجل است ازاینکه بجنت و وصف جنتیت وصف شود زیرا که خلق جنت بامر او میشود

و اگر میخواهی در بدء جنت نظر کنی نظر کن در بدء دین اسلام که هر کس داخل میشد داخل در جنت بود و الا در نار و درجه بدرجه جنت مفصل گشته تا آنکه یک یک اهل بیت را نظر کن در ظهور هر یک اصحاب او اصحاب رضوان و جنت بوده اند و دون او در نار تا آنکه منتهی شد بآخر ابواب که نص خاص منقطع گشت هر کس بر مراد الله و مراد اهل بیت بود در جنت بود و هر کس قدر جوی منحرف بود در نار تا اینکه بظهور اسم باطن باطن خلق جنت را بین و حکم دون جنت بر کسی که نشناخت او را و عارف نگشت بحق او ذکر کن

و بعد مبدأ جنت را بیان بین و تا ظهور ”من یظهره الله“ متبعین را از منحرفین بشناس و حکم جنت و نار را بعین شهود ملاحظه کن که این است مقصود از آنچه در قرآن نازل شده از ذکر جنت و نار و پناه بر در هر حال از نار دون ایمان که همین سبب در نار آخرت میگردد و همچنین در ایمان که همین سبب رضوان اکبر میگردد که در آن خلق شده آنچه عبد محبوب دارد او را و در آن خلق نشده حزنی و آنچه که عبد محبوب ندارد علم بآن را یخلق الله ما یشاء بامره انه کان علی کل شیئ قدیرا.

